****

[مرتبه اول: انفراد جانی در جنایت 1](#_Toc499394486)

[صورت اول: رمی به سهم 1](#_Toc499394487)

[صورت دوم: تکرر ضرب 2](#_Toc499394488)

[صورت سوم: فعل مستتبع فعل دیگر 2](#_Toc499394489)

[صورت چهارم: قتل به سرایت 3](#_Toc499394490)

[تفاوت صورت سوم با چهارم 3](#_Toc499394491)

[صورت پنجم: پرتاب نمودن خود روی دیگری از ارتفاع 3](#_Toc499394492)

[صورت ششم: قتل به سحر 4](#_Toc499394493)

[مرتبه دوم: دخالت مقتول در کنار جانی 4](#_Toc499394494)

[مورد اول: تقدیم طعام مسموم 4](#_Toc499394495)

[مورد دوم: حفر حفیره و دعوت غیر 5](#_Toc499394496)

[مورد سوم: ایراد جنایت و مداوای به داروی سمی عامل مرگ 5](#_Toc499394497)

**موضوع**: مراتب تسبیب /قتل به تسبیب /کتاب القصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بیان شد که کلام مرحوم محقق ره در مقام، متضمن مطالب عمیقی است که سزاوار است به نحوی دقیق بررسی شود و گذشت که ایشان ملاک هایی را در رابطه با مباشرت دارد و بر اساس این ملاکات مواردی را برای رفع ابهام بیان نموده است.

در مرتبه اولی که در مورد انفراد جانی به جنایت بود، به نظر مرحوم محقق شش صورت وجود دارد و ایشان در این مرحله ناظر به مواردی است که دخیل در حکم است و صرف مثال نیست و در واقع ایشان برای مباشرت قیود و ملاکاتی بیش از دیگران قائل شده است.

## مرتبه اول: انفراد جانی در جنایت

### صورت اول: رمی به سهم

در مورد صورت اول از این مرتبه بیان شد که چون مرگ به واسطه این تیر قطعی و حتمی نیست، لذا نزد ایشان با سر بریدن به واسطه چاقو متفاوت شده است. و لذا غلبه وقوع و تأثیر در آن مفروض نیست، از این رو مرحوم محقق در این جا تعبیر را به «ما یقصد به القتل غالبا» تغییر داده است و ممکن است همین احتمال عدم اصابت و قتل، مانع از مباشر بودن جنایت در این مورد بوده باشد. و البته محتمل است که در این صورت، ایشان ناظر به این باشد که فرق بین ذبح و این صورت در این باشد که در مباشرت، نباید بین جانی و مجنی علیه فصل مکانی باشد، و گویا خصوصیت و ملاک چهارمی برای مباشرت وجود دارد.

### صورت دوم: تکرر ضرب

الثانية إذا ضربه بعصا مكررا ما لا يحتمله مثله بالنسبة إلى بدنه و زمانه فمات فهو عمد رو لو ضربه دون ذلك فأعقبه مرضا و مات فالبحث كالأول و مثله لو حبسه و منعه الطعام و الشراب فإن كان مدة لا يحتمل مثله البقاء فيها فمات فهو عمد.[[1]](#footnote-1)

در دومین صورت بحث در جایی است که تکرار ضرب منتهی به موت شده باشد به نحوی که «لا یحتمله مثله»، به نظر می رسد که حیثیت منظور در این صورت، غیر از بحث احتمال و عدم قطعیت باشد، بلکه بحث در تعدد فعل و واحد نبودن آن است و عامل مباشری به حساب نیامدن این جنایت، تعدد آن است، و در واقع ایشان فعل متعدد و جنایت به واسطه آن را جنایتی تسبیبی می داند نه مباشری.

و در واقع ایشان می گوید که فرقی نیست، در فعل موثر در قتل و مستلزم قصاص، در این که به واسطه یک فعل یا افعال متعدد صورت گرفته باشد، و این ضربات متعدد عامل قتل شده باشد.

### صورت سوم: القای فی النار

الثالثة لو طرحه في النار فمات قتل به‌ و لو كان قادرا على الخروج لأنه قد يشده و لأن النار قد تشنج الأعصاب بالملاقاة فلا يتيسر له الفرار أما لو علم أنه ترك الخروج تخاذلا فلا قود ‌ لأنه أعان على نفسه و ينقدح أنه لا دية له أيضا لأنه مستقل بإتلاف نفسه و لا كذا لو جرح فترك المداواة فمات لأن السراية مع ترك المداواة من الجرح المضمون و التلف من النار ليس بمجرد الإلقاء بل بالإحراق المتجدد الذي لو لا المكث لما حصل و كذا البحث لو طرحه في اللجة و لو فصده فترك شده أو ألقاه في ماء فأمسك نفسه تحته مع القدرة على الخروج فلا قصاص و لا دية.

صورت سوم در مرتبه اول طبق کلام مرحوم محقق مربوط به جایی است که به واسطه القای شخص در آتش و سوختن آن شخص، و تحقق مرگ به واسطه مکث در آتش روی داده باشد و البته مثال دیگری را هم برای این صورت ذکر نموده است که «القای فی البحر» می باشد، یعنی خود القا در آتش یا دریا عامل مرگ نیست، بلکه احتراق و غرق شدن ناشی از این القاء عامل مرگ شده است و از آن جا که این وساطت، مشکلی در تحقق عمد ایجاد نمی کند، قصاص برای ترتب مشکلی ندارد.

تا این جا در هر موردی از صور مرتبه اول، حیثیات متعددی عامل تسبیب شده است که در مورد اول عدم اتصال و در دوم تکرر فعل و در مورد سوم وساطت بود.

### صورت چهارم: قتل به سرایت

الرابعة السراية عن جناية العمد توجب القصاص مع التساوي ‌فلو قطع يده عمدا فسرت قتل الجارح و كذا لو قطع إصبعه عمدا بآلة تقتل غالبا فسرت.

قتل به سرایت به عنوان چهارمین موردی است که در کلام مرحوم محقق ره در مرتبه دوم از تسبیب بیان شده است، به این معنا که مجنی علیه در اثر این جنایت، مبتلی به بیماری یا جراحتی می شود که به تدریج باعث مرگ او می شود، در این جا مرگ مستقیما روی نداده است بلکه در اثر این بیماری و جنایت صورت محقق شده است.

#### تفاوت صورت سوم با چهارم

فرق این صورت با صورت القای در آتش یا دریا در این است که در این مورد تخلف و عدم قتل محتمل است؛ چرا که سرایت امری است که تخلفش ممکن است بر خلاف صورت قبل، ولی در عین حال چون معرضیت (بر اساس مبنای مختار) و یا تأثیر غالبی در قتل (مشهور) دارد، حکم به قصاص شده است.

در این جا نیز نکته عدم مباشرت همان عدم قطعیت تأثیر جنایت در مرگ است.

### صورت پنجم: پرتاب نمودن خود روی دیگری از ارتفاع

الخامسة لو ألقى نفسه من علو على إنسان عمدا‌ و كان الوقوع مما يقتل غالبا فهلك الأسفل فعلى الواقع القود و لو لم يكن يقتل غالبا كان خطأ شبيه العمد فيه الدية مغلظة و دم الملقي نفسه هدرا.

پنجمین موردی که در این مرتبه توسط مرحوم محقق مطرح شده است، پرتاب نمودن انسان خودش را از ارتفاع روی دیگری و قتل او در اثر این اقدام می باشد، و حیثیت فرق در این که این جا را از موارد تسبیب به حساب آورده است در حالی که موردی مثل پتک را مباشرت حساب کرده است در این است که چنین جنایتی فعل و وسیله ای که غالبا به واسطه آن قتل صورت نمی گیرد و گویا مباشرت قتل به واسطه سبب متعارف است کما این که مرحوم صاحب جواهر قدس سره[[2]](#footnote-2) در بحث قتل به سحر و دعا شبهه عدم تعارف را رد کرد و آن را نیز مستلزم قصاص دانست.

### صورت ششم: قتل به سحر

السادسة قال الشيخ لا حقيقة للسحر ‌ و في الأخبار ما يدل على أن له حقيقة و لعل ما ذكره الشيخ قريب غير أن البناء على الاحتمال أقرب فلو سحره فمات لم يوجب قصاصا و لا دية على ما ذكره الشيخ و كذا لو أقر أنه قتله بسحره و على ما قلناه من الاحتمال يلزمه الإقرار و في الأخبار يقتل الساحر قال في الخلاف يحمل ذلك على قتله حدا لفساده لا قودا.

ششمین صورت مرتبه اول تسبیب در کلام مرحوم محقق ره مربوط به قتل به واسطه تخیل یا همان موارد قتل به سحر است، و بر اساس بیان ایشان، لازم نیست برای تحقق قصاص قتل منشإی واقعی داشته باشد، بلکه اگر منشأ وهمی و خیالی هم داشته باشد، کفایت می کند و خصوصیت این مورد در همین منشأیت امر وهمی و تخیل است که باعث تسبیبی شدن آن شده است.

هنر و ارزش کلام و تقسیم بندی مرحوم محقق در این است که موردی نمی توان یافت که از این اقسام خارج باشد.

## مرتبه دوم: دخالت مقتول در کنار جانی

### مورد اول: تقدیم طعام مسموم

الأولى لو قدم له طعاما مسموما‌ فإن علم و كان مميزا فلا قود و لا دية و إن لم يعلم فأكل و مات فللولي القود لأن حكم المباشرة سقط بالغرور و لو جعل السم في طعام صاحب المنزل فوجده ‌صاحبه فأكله فمات قال في الخلاف و المبسوط عليه القود و فيه إشكال.

اولین صورتی که در این مرتبه بیان نموده است، همان مورد تقدیم طعام مسموم است، وجه صدق تسبیب در مقام دو عامل است یکی این که نیاز به انضمام اراده مچنی هم وجود دارد و دیگری این است که قتل به واسطه سم قطعی نیست، بر خلاف موارد مباشرت که مرگ تخلفی از ذبح ندارد و اراده غیر جانی در آن دخیل نیست.

### مورد دوم: حفر حفیره و دعوت غیر

الثانية لو حفر بئرا بعيدة في طريق و دعا غيره مع جهالته فوقع فمات فعليه القود‌لأنه مما يقصد به القتل غالبا.

دومین موردی را که مرحوم محقق ره در این مرتبه بیان نموده است، مربوط به جایی است که فردی با حفر گودال و دعوت دیگری به سمت آن عامل مرگ او می شود که در این جا نیز، جنایت عمدی محسوب می شود و فرق آن با فرض اول در این است که در صورت اول، اکل ضیف نسبت به طعام میزبان امری متعارف است در حالی که اجابت دعوت و مصادفت این اجبات با افتادن در گودال و چاه قطعی نیست؛ چرا که ممکن است شخص از مسیر دیگری و از کنار آن گودال عبور نماید و در حقیقت در این فرض استناد و عمد مخفی تر از فرض قبل است، و به دلیل همین خفاء و ابهام ناشی از آن به عنوان فرضی مستقل ذکر شده است، در واقع از آن جا که در صورت اول اجابت مهمان معمولا منجر به مرگ می شود، استناد و عمد در آن اقوی به نظر می رسد.

### مورد سوم: ایراد جنایت و مداوای به داروی سمی عامل مرگ

الثالثة لو جرحه فداوى نفسه بدواء سمي‌ ف‍إن كان مجهزا فالأول جارح و القاتل هو المقتول ف‍ لا دية له و لوليه القصاص في الجرح إن كان الجرح يوجب القصاص و إلا كان له أرش الجراحة و إن لم يكن مجهزا و كان الغالب فيه السلامة فاتفق فيه الموت سقط ما قابل فعل المجروح و هو نصف الدية و للولي قتل الجارح بعد رد نصف الدية و كذا لو كان غير مجهز و كان الغالب معه التلف و كذا البحث لو خاط جرحه في لحم حي فسرى منهما سقط ما قابل فعل المجروح و هو نصف الدية و كان للولي قتل الجارح بعد رد نصف ديته.

سومین صورتی را که مرحوم محقق قده در این مرتبه ذکر کرده است، در جایی است که شخص جنایتی را که به دیگری وارد کرد و ایراد این جنایت باعث شد تا مجنی علیه وادار به مداوایی شود که اتفاقا به واسطه دارویی سمی شکل گرفت و منجر به مرگ وی شد.

نکته تسبیب در این صورت هم در این است که جانی صرفا انگیزه و محرک و زمینه ساز برای انجام مداویی شده است که منجر به مرگ مجنی شده است.

در این جا جراحت جزء موثر است در کنار مداوا به دوای سمی نه این که به تنهایی دارو کشنده باشد که در این صورت قتل به خود مقتول منتسب می شود.

1. [شرائع الإسلام ، محقق حلی، ج4، ص181.](http://lib.eshia.ir/71613/4/181/) [↑](#footnote-ref-1)
2. [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج42، ص34.](http://lib.eshia.ir/10088/42/34/اللهم%20إلا%20أن%20يقال:%20إن%20ذلك%20و%20نحوه%20ليس%20من%20الأسباب%20المتعارف‌) [↑](#footnote-ref-2)